



هنر بیزانس ، شکار شیر، سده  
۷ میلادی



## مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین

حسین عابد دوست \* زیبا کاظم پور \*\*

### چکیده

در این مقاله مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان و هنر بین النهرین بررسی شده است. شیوه تحقیق تطبیقی - تحلیلی و به روش کتابخانه ای است. هدف تحقیق جست و جوی مفاهیم و کهن الگوهای تصویر گری شیر در هنر ایران باستان است. به سبب تاکید بر الگو بودن این صورت ها در دنیای کهن، مشابه این طبقه بندی در هنر بین النهرین نیز بیان شده است. آثار موجود بر اساس هشت الگوی اصلی طبقه بندی و مفاهیم مشترک نماد شیر بیان گردیده است. بر این اساس شیر به عنوان نشانه باروری و زندگی همراه با الهه گان مونث و خدایان بوده و از صورت های فلکی کهن می باشد که نشانه اعتدال بهاری است. در صحنه های شکار، مفهوم غلبه بر نیروهای مخرب و چرخش فصول دیده می شود. شیر همواره محافظ معبد و درخت زندگی است. حضور این سمبل به صورت ماسک در مراسم آیین مهرپرستی و ستایش خورشید با مفهوم عجین شدن با خدایان و الگوی ملبس بودن پزشکان و خدایان به پوست شیر با تاکید بر مفهوم دفع شر و منشا خیر است. قرار گرفتن این نماد بر روی ظروف، سلاح ها و نذورات معابد و گورها با معنای حفاظت است. شیر به شکل تلفیقی مفهومی برابر با حفاظت از شر و مظهریت قدرت و قهر الهی را در بر دارد.

### واژگان کلیدی

شیر، نماد، الهه، صور فلکی، ایران باستان، بین النهرین.

Email: hossienabeddoost@yahoo.com

\* کارشناس ارشد گرافیک

\*\* کارشناس ارشد پژوهش هنر



تصویر ۱- لرستان قرن ۷-۸ ق. م

تاریخ نشان می دهد هر چیزی می تواند معنای نمادین داشته باشد، در حقیقت تمامی جهان یک نماد بالقوه است. انسان با گرایش طبیعی، که به آفرینش نمادها دارد، گویی ناخود آگاه، اشیا یا اشکال را تغییر می دهد؛ تا حالتی مذهبی و هنری به خود بگیرد. (یونگ، ۱۳۸۶، ۳۵۲) سابقه تصویرگری شیر در هنر ایران به عنوان نماد خاص، به پیش از تاریخ عیلام می رسد<sup>۱</sup>. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۷) در دوره عیلامی بر اساس نقوش مصور مهرها، شیوه تصویرگری این حیوان با تغییراتی همراه شده و تصویر شیر با اجزای حیواناتی دیگر تلفیق گردید. (والتر هینتس، ۱۳۷۱، ۱۹۳) این نشانه به شکل فراوان در دوره های مختلف ظاهر می شود. نماد مذکور در تمدن بین النهرین از حدود ۴۵۰۰-۳۵۰۰ ق.م (دوره عیباد) دیده می شود. (رو، ۱۳۶۹، ۶۷) در این آثار، شباهت های قابل توجهی از نظر تصویرسازی و کارکرد و معنای نمادین وجود دارد. پیدایش این نماد و ویژگی های مشترک و مربوط به آن در هر دو حوزه، نشان از اهمیت نمادین و طلسم گونه شیر در هنر باستانی دارد.

بشر اولیه نیروهای طبیعی بنا به کارکرد خود، مونث یا مذکر بودند به همین جهت طبیعت و بسیاری پدیده های دیگر، مونث قلمداد می شدند. این نیروهای مونث در قالب الهه های بزرگ یا الهه مادر تجسم یافته اند. این ایزدان معمولاً با حیواناتی همراهند که یکی از این حیوانات شیر است. (خانی، ۱۳۸۱، ۶) شیر که به نظر اغلب محققان، نماد مرگ و زندگی است با الهه های دیگر عهد باستان و در قدیمی ترین تمدن ها هم، همراه الهه دیده می شود. بانوی حیوانات نمودی است از قدرت هراس انگیز نیروهای مونث، نیرویی که هم می تواند ببخشد و هم گیرنده باشد. (همان، ۲۳)

به عقیده گریشمن، در لرستان الهه «اشی» خواهر خدای سروش، که گاهی همراه با شیرها و بزهای کوهی است. الهه مادر ملل آسیایی، مردم بومی فلات ایران است، که از آسیای صغیر تا شوش مورد پرستش قرار می گرفت. این الهه مظهر فراوانی و باروری است. (گریشمن، ۱۳۷۱، ۴۸) (تصویر ۱) در میان اشیایی که به صورت نذر برای الهه اشی نثار شده، شکل دو شیر دیده می شود که یک سر دارند. (همان، ۵۰) در ایلام الهه نروندی<sup>۲</sup> از موقعیت خاصی برخوردار بود. کوتیک این شوشیناک<sup>۳</sup> معبدی را با پیکره ها و کتیبه هایی به او تقدیم کرد. در اثری متعلق به نروندی او با پاهای برهنه و دامنی چین دار بر تختی نشسته و نقش شش شیر که دو به دو با هم قرینه اند، این تخت را تزئین می کند. به نظر می رسد این الهه در شوش، در حدود ۲۲۰۰ ق.م به مقام الهه پیروزی رسیده باشد. (مجید زاده، ۱۳۷۰، ۵۳) نخستین مهر استوانه ای مربوط به حدود ۲۴۰۰ ق.م فعالیت الهه های مجمع خدایان ایلامی را نشان می دهد. در این مهر الهه ای بر روی سگ تازی ایستاده، در حال شکار بزی است و

با توجه به این که نقوش بازمانده بر روی مهرها و نقش بر جسته ها و احجام سه بعدی در ایران باستان، یادگارهای باستانی توصیف هنر و فرهنگ و باورهای آن زمان هستند، لزوم کنکاش در زمینه معانی و مفاهیم و تحولات تصویرگری این نمادها روشن است. نگرش موجود به این نشانه در تمامی دوران، نوعی برخورد دوگانه با این نماد را به همراه داشته است. یکی تقدس و توجه به عنوان طلسم و محافظ جادویی و دیگر، حضور حیوان در صحنه شکار به عنوان عنصر اصلی شکار است. برخی از این صورت های نمادین، در هنر پس از عصر ساسانی، همچنان باقی می ماند. مانند شیرسنگی محافظ در کنار قبرستان ها، نماد شیر و خورشید، تلفیق شیر با سر انسان بر روی سفال ها، شیر محافظ درخت زندگی در روی قالی ها و گرفت و گیر و شکار شیر در نقاشی ایرانی. در این تحلیل مفاهیم مرتبط با تصویرگری نماد شیر، در هنر ایران باستان بیان شده و در مقایسه ای تطبیقی، شباهت های آن با هنر بین النهرین بررسی می شود. آثار موجود متعلق به دوره پیشا عیلامی از حدود هزاره چهارم ق.م تا آثار دوره ساسانی است و مشابه آن در حوزه بین النهرین از دوره عیباد، تا تمدن بابل نوین که همزمان با دوره هخامنشی است. در بررسی این آثار، به توصیف هشت کهن الگوی مرتبط با نماد شیر پرداخته می شود و با ارائه نمونه ها، شباهت این کهن الگوها در دو منطقه ایران باستان و بین النهرین باستان بیان می شود.

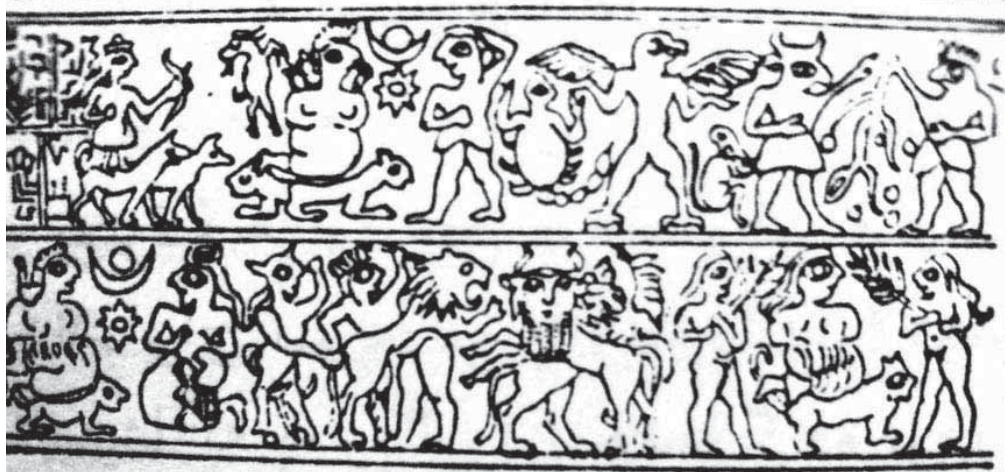
#### ۱- همراهی شیر با الهه گان و خدایان

این حیوان در باورهای قومی و اساطیری، نشان گر باروری زمین محسوب می شود. (دادور، ۱۳۸۵، ۷۴) از نگاه

۱- تاریخ عیلام آغازی ۳۲۰۰ ق.م

2-nerondy

3- kotik inshushinak



تصویر ۲- مهر استوانه ای عیلامی حدود ۲۵۰۰ ق.م

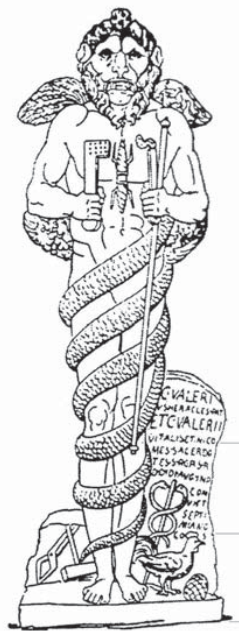
است. کلیدی که در دست دارد، بیانگر دروازه های آسمانی است که در آیین میترایی روح از طریق آن، صعود و نزول می کند. خدای سر شیر دار را برخی به زروان و برخی به میترا نسبت می دهند. (اولانسی، ۱۳۸۵، ۱۶۷) (تصویر ۳) تصویر این خدا همراه با دو شیر محافظ در طرفین بر روی سپر برنزی در لرستان دیده می شود. (گریشمن، ۱۳۷۱، ۵۲) (تصویر ۴)

شیر مرکب ایشتار، الهه اکدی در صورت جنگاوری او بود، این الهه را آشور بانپال (۶۳۱-۶۶۸ ق.م) که شیر شکار بود، می پرستید. (هال، ۱۳۸۰، ۶۲) نمونه ای از همراهی ایشتار با شیر را می توان بر روی مهرهای سیلندری بازمانده از دوره آشور نو (۶۱۲-۸۸۳) مشاهده کرد. الهه یک پای خود را بر پشت شیری نهاده است، در حالی که عصای خود را بر سر شیر پایین آورده که نشانه تسلط بر وحوش است. (خانی، ۱۳۸۱، ۱۷) (تصویر ۵)

از دوره کوتاه ایسین لارسا<sup>۲</sup> (۱۷۶۳-۲۰۲۵ ق.م) نقش برجسته ای از گل پخته باقی مانده، پیکره ای که مظهر الهه مرگ، لیلیت<sup>۳</sup> ویران گر است، با بال های عظیم که بر پشت دو شیر ایستاده است. عده ای او را ایشتار که الهه جنگ و از سویی دیگر بانو و سر چشمه باروری طبیعت، انسان و الهه عشق محسوب می شد، می دانند. این دو گانگی، خصوصیت الهه های بزرگ بود که در درون خود قدرت های تجزیه ناپذیر زندگی و مرگ را جای داده بودند. (خانی، ۱۳۸۱، ۷) (تصویر ۶)

از نظر هنری فرانکفورت<sup>۴</sup>، شیرو موجودات درنده در محضر الهه جایگاه خاصی داشتند و از طرف دیگر رمه ها و چهارپایان، هردو گروه در عین حال برای اومقدس بودند. (فرنو، ۱۳۸۴، ۲۶۰)

در سمت دیگر الهه ای با لباس بلند روی دو شیر ماده که پشت به هم زانورده اند، نشسته است. این الهه نمادی شبیه ایشتار<sup>۱</sup> دارد. (مجید زاده، ۱۳۷۰، ۷۰) (تصویر ۲) علاوه بر این، آثاری موجود است که پیکره مهر سوار بر شیر را نشان می دهد. (رضی، ۱۳۷۱، ۲۶۷) نمونه دیگر، تلفیق خدا با شیر را نشان می دهد. خدای سرشیردار، آشکارا موجودی است که تجسم کیهان است. او بر کره کیهانی ایستاده و علائم منطقه البروج در میان حلقه های ماری که دور او پیچیده دیده می شود. حلقه های مار به سیارات بر می گردد و مسیر حرکت خورشید از میان منطقه البروج



تصویر ۳

۲- شیر نماد صورت فلکی اسد

ساکنین اولیه فلات ایران صورت های فلکی را

- 1-Ishtar
- 2-Isin-larsa(2025-1763)
- 3-lilith
- 4-Henri Frankfort

مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین



تصویر ۵- آشورنو (۶۱۲-۸۸۳ ق.م)



تصویر ۴- لرستان قرن ۷-۸ ق.م

۱۹۴، (تصویر ۷) در میان اقوام باستانی، عدد یک وحدت نخستین. آغاز امور، آفریننده ازلی و به حرکت در آورنده مجموع امکانات است. عدد دو ثنویت، تناوب، کشمکش، وابستگی و ماهیت دوگانه بشر را نشان می دهد و دلالت بر ناپایداری دارد. دو حیوان از یک نوع و یا به تعبیر دیگر از دو نوع مختلف، مانند دو شیر، یا شیر و یک گاو نر که هر دو جنبه خورشیدی دارند، نبردی دوگانه را نشان می دهند. عدد سه، کثرت، نیروی آفریننده رشد و حرکت به طرف جلو و غلبه بر دوگانگی است. به گفته ارسطو آغاز، میان، پایان و ماهیت سه گانه جهان به عنوان آسمان، زمین، آب، تولد و حیات و مرگ است. (بهبادی، ۱۳۸۴، ۳۹۱)

با توجه به این نکته و جایگزینی احتمالی پرستش خدای خورشید به جای خدای ماه در دوران باستان (دوره ۱۳۸۵، ۵۲) می توان گفت، احتمالاً تسلط گاو بر دو شیر نمادی از برتری خدای ماه بر خدای خورشید و تسلط شیر بر دو گاو تزلزل موقعیت خدای ماه و جانشینی خدای خورشید بجای خدای ماه است و تلفیق این دو نماد بر روی مهر نشان از رشد و حرکت به جلو و غلبه بر دوگانگی است. این مهر حضور پیوسته خدای ماه در کنار خدای خورشید را به خوبی به تصویر می کشد. اما گریشمن، نبرد شیر و گاو در تخت جمشید را پیروزی نیروی نیکی بر نیروی اهریمنی می داند. (گریشمن، ۱۳۷۱، ۱۵۷)

در سمینار بین المللی میتراپرستی سال ۱۹۷۸ در رم، آله ساندرو بوسانی<sup>۲</sup>، تاورکتونی<sup>۳</sup> را به عنوان بازمانده ای از نبرد شیر و گاو در خاور نزدیک عهد باستان دانست. (اولانسی، ۱۳۸۵، ۵۲) موقعیتی که تاورکتونی برای صور فلکی، نشان می دهد به حدود چهار هزار ق.م تا هزاره دوم ق.م می رسد. (همان، ۸۸) تمام نمادپردازی تاورکتونی، پیش بینی قرار گرفتن اعتدال بهاری در ثور است و حضور

می شناختند، به عبارت دیگر سنت نجومی پیوسته ای وجود داشته که دوره پیش از تاریخ ایران و بین النهرین را با نظامی که مشخصه دوره تاریخی است، پیوند می داد. صدها نقش روی مهرها و ظروف سفالین که از سراسر ایران و بین النهرین به دست آمده، گواه این نکته است. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۶)

نقوش مهرها، تصاویر صور فلکی به صورت تصویری واحد یا در ترکیب پیوسته و دایمی دو یا تعداد بیش تری از حیواناتی که جنبه گاه شماری دارند را نشان می دهد. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۶)

صحنه نبرد شیر و گاو نر و نوع دیگری از آن میان شیر و آهو در هزاره چهارم، نمادهای تبدیل پذیری، برای رساندن مفهوم آغاز فعالیت کشاورزی پس از انقلاب زمستانی بوده اند. در حوالی دهم فوریه (۲۱ بهمن) ثور و ثریا (گاو) غروب شامگاهی خود را آغاز می کردند، صورت فلکی اسد (شیر) همراه با ستاره درخشان قلب الاسد، اوج می گرفتند، پس از آن گاو نر برای مدت چهل روز ناپدید می شود و دوباره طلوع می کند، که نشانه هنگام اعتدال بهاری است. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۶)

خودنماد ستاره به گونه ای آشکار، تأکیدی بر خصوصیت ویژه منطبق با نشانه های ستاره ای است. این نبرد در مهر عیلامی به شکل دیگری به تصویر کشیده شده است. در این تصویر تکرار بی پایانی از دو جانمایه، که در یکی از آن ها یک گاو ایستاده در میان دو شیر نشسته قرار گرفته و در دیگری یک شیر ایستاده، دو گاوی را که در حال دور شدن هستند، نگاه داشته است. پیرامیه<sup>۱</sup> در این اشکال تصویر انتزاعی توازن حوادث جهان را می بیند. می توان اندیشید که شاید تصویر تابستان و زمستان است که یکدیگر را در تناوبی ابدی دنبال می کنند. (هینتس، ۱۳۷۱،

۱- Pierre Amiet  
۲- Alessandro Bausani  
۳- تاورکتونی میتراس را در حال کشتن گاو نشان می دهد، در بردارنده تعدادی نقوش در کنار میتراس و گاو است. مار، سگ، عقرب، کلاغ، گاهی شیر و پیاله (اولانسی، ۱۳۸۵، ۴۰)



تا دوره بابل و رصد منظم سیارات توسط بابلی ها ادامه داشت. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۶) ترکیب صورت های فلکی در آثار این منطقه دیده می شود همین طور صحنه نبرد شیر و گاو، از صورت های کهن در بین النهرین است. (تصویر ۱۰) نبرد شیر و گاو را بر روی گلدان سومری با مفهوم غلبه تابستان بر زمستان می بینیم. (رضی، ۱۳۷۱، ۵۶)

### ۳- شیر در صحنه شکار

انسان شکارچی عصر حجر، می پنداشته، شئی را که تصویر کرده، در اختیار دارد و تصور می کرد با این تصویر اختیار بر او را کسب کرده و معتقد بود که حیوان، عملاً درد کشته شدن را احساس می کرده است. از نظر او ارائه تصویری این حیوان چیزی جز انتظار عملی نیست که زود یا دیر، روی خواهد داد. (هاوزر، ۱۳۷۰، ۱۳)

نمونه مهرهای عیلامی انواع حیوانات را نشان می دهد که در دشت ها و بیشه ها می زیند و به آرامی در حال چرا، یا از شیرها درگیرند. آن گاه شکارچی عیلامی در صحنه ظاهر می شود. (هینتس، ۱۳۷۱، ۲۸) در عین حال بر روی یک مهر استوانه ای متعلق به ۳۰۰۰ ق.م همزمان گراز و شیر مورد هدف قرار می گیرد (تصویر ۱۱)

اما مهرها عملکرد آن ها به منظور دفع شر است. خدای خورشید در اصل یک شکارچی بود و پادشاه قائم مقام این خدای خورشید-آسمان بر روی زمین بود و عموماً غلبه بر حیوانات با عبور خورشید در طی دوره سالیانه اش میسر می گردید. این هم به نظر می رسد که نبرد شاه با شیر، صحنه جشن و پیروزی خورشید بر زمستان را نشان دهد. (بالترو شاپیتس، ۱۳۸۴، ۵۹) در ایران در نظر شاه و روحانیان، نقش شاه این بود که بر نیروهای مخرب که در قلمرو سلطنت به فعالیت می پرداختند، غلبه کند. نبرد بزرگ کیهانی میان راستی و دروغ، نیرویی بود که شاه هم، در آن درگیر بود. اما چنین برمی آید که بیشتر تاکید بر نقش او در استقرار نظم و آرامش قلمرو ایزدی در حیطه فرمانروایی



تصویر ۶- (۲۰۲۵-۱۷۶۳ ق.م)

شیر در تاورکتنونی، این واقعیت را نشان می دهد که انقلاب تابستانی طی آن دوره، در برج اسد بوده است. (همان، ۹۲) (تصاویر ۸ و ۹)

آدمیان در بین النهرین بر این اعتقاد بودند تا در رویدادهای کیهانی شرکت نداشته باشند، بقای حیات تضمین نمی شود. (هینلز، ۱۳۸۵، ۱۵۱) از نگاه وینکلر و مکتب او، در مفاهیم اختر شناسی بابلی، حوادث و نهادهای زمینی، تا حدی بدل هایی از نسخه های آسمانی است. (بهزادی، ۱۳۸۴، ۲۲۲) ظاهراً سومری ها نخستین مردمی هستند که بر صورت های فلکی نام نهاده اند. استعمال این اسامی



تصویر ۷- آغاز هزاره سوم ق.م، شوش

مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین



تصویر ۱۰- شیر نماد خورشید(اسد)ومیترا وفصل گرم، گاو نماد زمستان است و ماه

برجسته شاه، حقیقتاً دست تنها شیرهایی را می کشد که نه فقط به شخص او بلکه به خانواده اش و به موبد بزرگ حمله ور شده است.(اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۲۰)

مضمون مفرغ های لرستان هم، رابطه دادن با هم وانسان با دادن است. انسان ها یا به بیان دقیق تر دیوان نیم انسان - نیم حیوان، با شیرها می جنگند.(همان، ۴۵) قدیمی ترین سابقه شکار شیر در افسانه گیل گمش، پنجمین پادشاه نخستین سلسله اوروک ۳۱۰۰-۲۵۰۰ ق.م آمده است. چهره او به شکل مردی سیاه چهره و ریشو که با گاو میش ها و شیرها می جنگید، در بسیاری از آثار باستانی مهرهای دوره جمدت نصر (۳۱۰۰-۳۰۰۰ ق.م) گرفته تا نقوش برجسته آشوری نقش شده است.(رو، ۱۳۶۹، ۱۳۶) در نقوش برجسته جام فوق تل عقرب، قهرمان اسطوره ای در حالتی نشان داده شده که دو شیر را با دست هایش نگاه داشته و دم های یک جفت شیر دیگر را زیر بغل دارد. در طرف دیگر جام حیوانی که در معرض حمله شیرها



تصویر ۸

خویش به کمک اهورا مزدا بود تا تاکید بر به نظم آوردن فصول از طریق مناسک (هینلز، ۱۳۸۵، ۱۵۸) شاخص ترین نقشمایه مهرها، روی الواحی که در تخت جمشید یافته شده، نقشمایه شاه قهرمان است.(همان، ۹۸)(تصویر ۱۲) اغلب بشقاب های دوره ساسانی، شاه پیروزمند در شکار را نشان می دهد. تفسیر این صحنه ها چون بازتاب های تمثیل دیرینه شکار و جنگ و به منزله شکست دشمنان دنیوی و معنوی در هیئت حیوانات است، تفسیری که نقش برجسته صخره ای بهرام دوم، مربوط به اوایل دوره ساسانی در سر مشهد فارس، بر آن صحنه می گذارد. در این نقش



تصویر ۹



تصویر ۱۱- آغاز هزاره سوم ق.م، شوش



تصویر ۱۲- نقش شاه قهرمان، نقش مهر

با آجرهای کاشی مانند براق چند رنگ وجود دارد. روی یکی از آن ها، یک جفت شیر بالدار با سر انسان مشاهده می شود. طبق کتیبه های موجود در قرص بالدار بالای سر شیرها، استادکارانی که این سطوح را بنا نهاده اند از بابل به آن جا برده شده بودند. نمونه خاص آن دروازه ایشتار است. (کورتیس، ۱۳۸۵، ۸۱)

بر پاره ای از پرستشگاه های میترا نیز، تصویر ایزد بالدار که با سر شیر است، دیده می شود. اما در مواردی این حیوان در معابد پرورش می یابد. به عنوان مثال در سرزمین ایلام، پرستشگاهی برای آنهایتا ساخته شده بود که در آن شیران اهلی نگهداری می شدند. این شیران رام شده، به پیشواز کسانی می آمدند که وارد پرستشگاه می شدند. (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۱۶۰)

کلیه معابد عمده بین النهرین، برخی جنبه های مشترک داشته اند. یکی از این موارد مجسمه شیرها، گاو میش ها، شیردال ها و غیره بودند که نگهبانی معابد را بر عهده داشتند. (رو، ۱۳۶۹، ۱۹۱)

خیابانی که از سمت شمال شهر بابل به دروازه ایشتار منتهی می شود، مردم آن را (آی- ایور- شبو) به معنای «باشد که دشمن از آن نگذرد» می نامند. دو طرف آن شصت شیر قوی هیکل که مظهر ایشتار بود با بال های سرخ و زرد بر کاشی آبی نقش شده است. (همان، ۳۲۵)

#### ۵- شیر محافظ درخت زندگی

در آثار باستانی ارواح بالدار، انسان، شیر، بز، اسب، گاو و یا ترکیبی از حیوان با سر انسان فره وشی های محافظ هستند. فره وشی ها «ملک محافظ روح انسان» محافظ زندگی، حیات، شادی و زیبایی در ایران زمین اند. (دادور، ۱۳۸۵، ۱۴۳) درخت زندگی در فرهنگ ملل جهان، درخت همیشه پر

قرار گرفته، گاو نر ریش داری دیده می شود که موجودی اسطوره ای است. (فرنو، ۱۳۸۴، ۲۶۳) آندره پرو، معتقد است این شخصیت که سعی در مهار کردن شیران مهاجم دارد، نمی تواند تداعی کننده شخصیت دیگری جز گیل گمش باشد. (همان، ۲۶۵) (تصویر ۱۳) الگوی قهرمان در حال جنگ با شیران هم بر روی تیردانی متعلق به لرستان دیده می شود. (پاکباز، ۱۳۸۰، ۱۷) (تصویر ۱۴)

در نقوش برجسته قصرهای آشوری مناظری رامی بینیم که در آن پادشاه بر فراز لاشه شیرهایی که با تیر سوراخ شده بودند به افتخار ایشتار جرعه نوشی می کند. (بهزادی، ۱۳۸۴، ۲۵۸) گاهی نیز پادشاه آشوری را در نبرد تن به تن با شیری نشان می دهد. (همان، ۳۴۷)

#### ۴- شیر محافظ معبد

شیران نگهبانان نمادین پرستشگاه ها، قصرها و آرامگاه ها بودند و تصویری رفت، درنده خویی آن ها موجب دور کردن تاثیرات زیان آور می شود. (هال، ۱۳۸۰، ۶۱) در ایران ورودی معابد عیلام به وسیله مجسمه های شیر، گاو نر و نوعی سگ محافظت می شد. احتیاجی نبود که این مجسمه ها ابعاد عظیمی داشته باشند، چون قدرت سحرآمیز آن ها خود به تنهایی برای محافظت معابد کافی تلقی می شد. (هینتس، ۱۳۷۱، ۶۴) نمونه های فراوان آثار به دست آمده از شوش این مطلب را تایید می کند. پیکره یک شیر کوچک سنگی در مجاورت معبد این شوشیناک، در ارگ شوش به دست آمده که بر ارابه ای از قیر طبیعی سوار است. بر شانه این شیر نقش ستاره با خطوط منحنی دیده می شود. این شیرها نگهبان معبد بوده اند. (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۶۸) (تصویر ۱۵) در شوش نیز، در قصری که داریوش نزدیک به آپادانا ساخته بود سطوح عمودی بلندی



مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین



تصویر ۱۲- طرح و نقش مهرهایی از تل عقرب و فارا حدود ۲۵۰۰ ق.م

است. (گریشمن، ۱۳۷۰، ۲۳۲) در مواردی تلفیق کهن الگوی شکار و الگوی محافظ درخت زندگی به تصویر کشیده شده است (تصویر). در نمونه ای از «سنت اورسول» در کلونی یک بافته ابریشمین عالی به دست آمده که بر روی آن، گویا تصویر یزد گرد سوم (۶۲۳-۶۶۵) باز شناخته می شود که بر شیردالی سوار است و حمله شیر بالدار را که پره های زینتی بر سر دارد، دفع می کند. حیوان افسانه ای که به سوار حمله می کند، همان است که در تخت جمشید در برابر شاه به حمله برخاسته است و فرشته ای هم که از درخت مقدس سر بر آورده انعکاس دوریست از پیروزی اهورامزدا بر اهریمن و اطمینان از حمایت آسمانی نسبت به خلیفه خدا روی زمین. این اثر به سبک ساسانی است. (همان، ۲۳۵)

در بین النهرین در اغلب موارد، درخت مقدس با حیوانات یا پیکره های فرا طبیعی احاطه می گردد. (بلک، ۱۳۸۵، ۲۸۳) نقش عاج کنده کاری شده که هیولا های بالدار «گریفین» محافظ درخت زندگی را نشان می دهد که بسیار نقش پردازی شده است. این نمونه ظریف از قصر آشوری ارسلان تاش در شمال سوریه یافت شده است. (بهزادی، ۱۳۸۴، ۲۶۰)

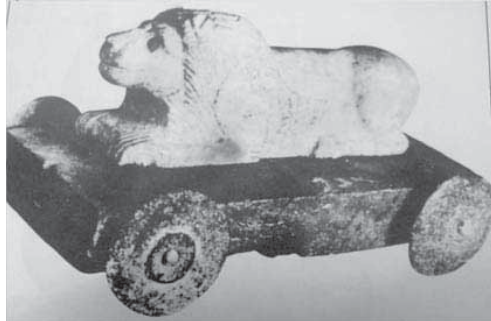
۶- لباس به شکل شیر یا ما سبک به شکل سر شیر در دوران پیش از تاریخ، مردم خدایان را با چهره و اندام حیوانات تصور کرده و از آن ها تصویر و تندیس

لطافت است و میوه هایش ابدیت و بی مرگی را به همراه دارد. (جوانی، ۱۳۷۹، ۳۱)

درخت زندگی معمولاً در تصاویر و نقوش، میان دو جانور افسانه ای (شیر دال، بزوحشی، شیر و غیره) قرار دارد که نگهبانانش به شمار می روند. این درخت رمز نیروی مقدس و بیمناک محسوب می شود. برای چیدن میوه هایش که از آن، اکسیر ملکوتی طول عمر به دست می آید، باید با هیولاهای نگهبانش ستیز کرد و هر که در این نبرد پیروز شود، به مرتبه ای فوق انسانی ارتقاء می یابد (همان، ۳۸) در بازسازی کاشی کاری یک میزهدایا، چسبیده به دیوار معبدی از شوش در چندین ردیف، حیوانات اساطیری گوناگون چون شیر دال «گریفین» و حیوانات معمول، همچون اسب و شیر را نشان می دهد که دو به دو به روی هم، در دو سوی یک درخت زندگی مشبک قرار گرفته اند. (مجید زاده، ۱۳۷۰، ۱۲۷) (تصویر ۱۶)

با فندگان ایرانی نیز شیر را به شکل متقارن در دو سوی درخت زندگی نشان داده اند. در بافته ابریشمی به دست آمده از ضریح سن امون<sup>۱</sup> در کلیسای سن ژانگول<sup>۲</sup> در تول<sup>۳</sup>، که دو شیر را که به صورت غیر طبیعی در برابر یک نخل روبه روی یکدیگر ایستاده اند، در قاب های دایره ای نشان می دهد که از بابل و آشور اقتباس کرده

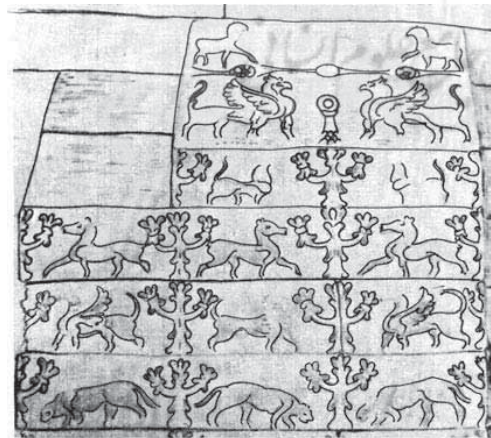
- 1-Saint Amon
- 2-Siant Gakgoul
- 3-Toul



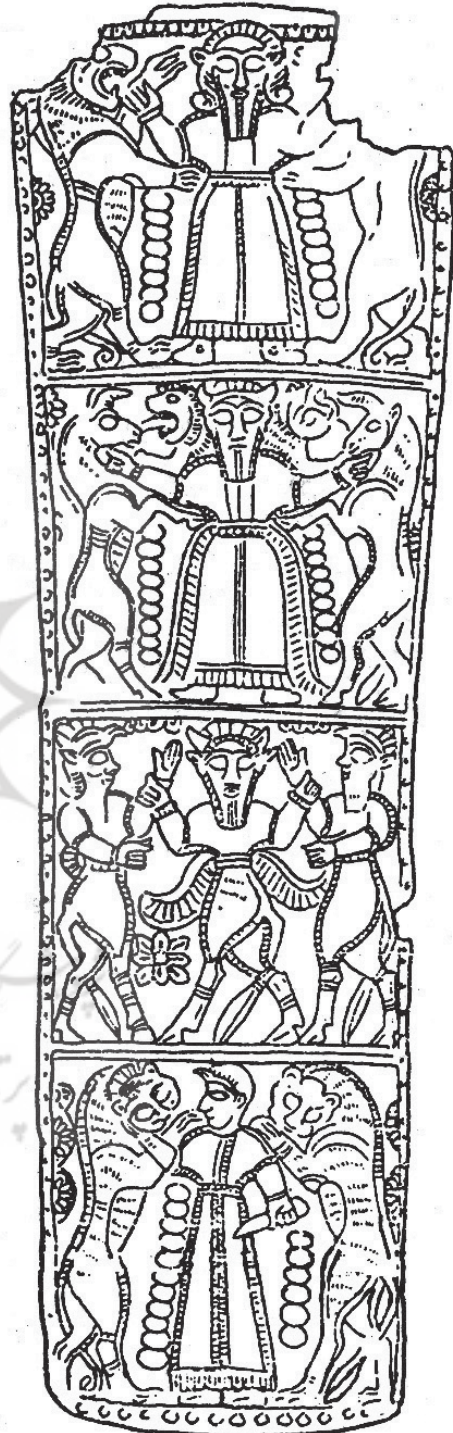
تصویر ۱۵- شیر، از مجاورت معبد ایتشوشیتاک، هزاره دوم ق.م، شوش

می ساختند و فرد معتقد و پیرو چنین خدایانی، با نهادن نام جانورانی خداگونه بر خویش، به هنگام اجرای مراسم دینی که خود را به شکل جانوران در می آورد، در حقیقت بدین باور بود که با این خدایان یگانه و عجیب شده است. مردم قبایل ابتدایی با پوست جانوران، این یگانگی را هنگام اجرای مراسم و مناسک به نمایش می گذاشتند. در ادوار بعدی پیروان آیین ها، فقط با به چهره نهادن صورتک هایی از حیوانات اکتفا می کردند.

در آیین ها و جشن ها و مراسم گوناگون، مهر دین ها، در روزگار تولد مهر با صورتک هایی از جانوران ظاهر می شدند. (رضی، ۱۳۷۱، ۳۲۱) در این آیین کسانی که به مقام شیر مردی «مرحله چهارم سلوک در آیین مهر» می رسیدند در مراسم و برگزاری مناسک، صورتک شیر بر سر می نهادند. (همان، ۲۸۴) (تصویر ۱۸) همچنین مراسم ستایش و عرضه نیاز به خورشید نزد ساکنان اولیه ایران که در مناطق مختلف پراکنده بودند، رواج داشته است. کما اینکه فیلیس اگرمن در معرفی اشیای فلزی به دست آمده از آذربایجان، درباره صفحه زرینی می نویسد که دارای نقش شیر برای



تصویر ۱۶- کاشیکاری میز هدایا، دوران عیلام جدید، قرن ۷-۸ ق.م



تصویر ۱۴- لرستان، قرن ۱۱ ق.م

مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین



تصویر ۱۷- هنر بیزانس، شکار شیر، سده ۷ میلادی

نقاب بوده است. (طاوسی، ۱۳۸۴، ۴۳) در ایران به هنگام مرگ بزرگ قوم، خزانه و اموالش در عیلام نیزگاهی شکارچی بر تن، پوست شیری دارد. (هینتس، ۱۳۷۱، ۱۸) بابلی ها اثر و نیروی ستارگان و نجوم را در اعمال و رفتار و بیماری ها دخیل می دانستند، پزشک در زمان درمان، نقاب شیر به چهره می زد که ارواح خبیثه و شیاطین را تسخیر کند. (بهزادی، ۱۳۸۴، ۴۳۸) این سنت ملبس بودن به لباس شیر حتی به خدایان بین النهرین هم نسبت داده شده است. له تراک ۱۴ خدای اکدی و لولل ۱۵ خدای سومری در دوران نوآشوری به عنوان رب النوع های محافظ جادویی، در دروازه ها خاک می شدند. فرض بر این است که به شکل پیکری با بدن انسان اما سرشیر، ملبس در پوست شیر که تازیانه ای را حمل می کند، ترسیم می شد. (پلک، ۱۳۸۵، ۱۹۲) (تصویر ۱۹)

۷- اشیاء، نذورات و سلاح ها همراه با تصویر شیر

در ایران به هنگام مرگ بزرگ قوم، خزانه و اموالش همراه با جسدش دفن می شد، تا وی بتواند در دنیای دیگر از آن ها تمتع بر گیرد. (فریه، ۱۳۷۴، ۲۳) سرمیل های درفش از لرستان متعلق به هزاره اول ق.م شامل دو بز یا دوشیر سر پا ایستاده و رویه روی هم قالب گیری شده است که ظاهرا نقشی چون شمایل یا طلسم داشته و برای صاحبش منشا خیر یا دافع ارواح خبیث بوده اند. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۴۳) از جمله ظرف های داخل گنجینه زیویه یک پارچ طلایی می باشد که محل اتصال دسته به دهنه سر شیر است و یک کاسه کله قندی که روی آن تصویر شیر به صورت نقش برجسته حکاکی شده است. (کورتیس، ۱۳۸۵، ۱۰۷)

نمونه کاربرد تصویر شیر بر روی ظروف ساسانی نیز به چشم می خورد، همین طور ریتون های دوره هخامنشی به شکل شیر هستند. گریشمن تصویر سازی



تصویر ۱۹- نقش برجسته سنگ از بنای تاریخی در شاه نشین کاخ آشور نصیر پال دوم



تصویر ۱۸

حیوانات افسانه ای «شیر» بر روی ظروف را برای حفاظت مایع درون آن و حمایت از قبر و مرده داخل آن می داند. (گریشمن، ۱۰۸، ۱۳۷۱)

در ایران خورشید در بعضی مناطق، رمز نامیرایی و رستاخیز است. در برخی روایات آمده که خورشید، شب هنگام، به سرزمین مردگان فرود می آید و راهبر جان ها در قلمرو دوزخ می شود و بامدادان آن ها را به سرزمین روشنایی می رساند. (دادور، ۱۳۸۵، ۵۲) به نظر می رسد مدفون کردن اشیاء با نقش شیر به همراه مردگان، طلسمی برای حضور دائمی خورشید، نور و روشنایی در کنار متوفی باشد. علاوه بر این در میان قطعات تزیینی که به لباس دوخته می شدند، نقش شیر بیش از همه به چشم می خورد. روی قبای داریوش در نقش برجسته تخت جمشید چنین شیرهایی دیده می شود. (گریشمن، ۳۶۳، ۱۳۷۱) این نوع تزیین در هنر آشوری بر روی جامه های آشوری دیده می شود. (بهزادی، ۱۳۸۴، ۳۴۸) ابزارها و سلاح ها در لرستان معمولا با نقش شیر همراه است. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۳۷) تبرزین هایی که انتهای آن ها در سمت دسته میخ کوبی شده که این میخ هابه اشکالی، مانند سر حیوانات منتهی می شوند و تبرزین های هلالی شکل که در محل اتصال پایه به لبه، سر یک شیر قرار دارد و دیگری دسته چاقو تیزکن با همین نوع تزیین، از اشیاء لرستان است. (کورتیس، ۱۹۶، ۱۳۷۱) (تصویر ۲۰) آندره گدار عقیده دارد، تبر برنزی شاه اونتاش ناپیریشا که به زیگورات هدیه کرده بود، الگو برداری از یک نمونه اولیه لرستان است. (هینتس، ۱۹۶، ۱۳۷۱) (تصویر ۲۱) به نظر می رسد، الگوی تصویرگری تبر و دیگر سلاح ها ارتباط خاصی با خدای خورشید داشته باشد، زیرا در مواردی خدای خورشید با سلاحی همراه است که آراسته به کله های شیر متعدد است. در بین النهرین یک چویدستی یا شمشیر هلالی با سرشیر به عنوان خدای جهان زیرین،

یعنی نرگل معرفی می شود. (بلک، ۲۸۰، ۱۳۸۵)

از میان مشخص ترین اشکال کاسه ها، در دوره عبید (۴۵۰۰-۳۵۰۰ ق.م) کاسه سرشیر با لبه مخصوص بیرون ریختن مایع است که در بسیاری از نقاط بین النهرین شمالی یافت شده است. (رو، ۱۳۶۹، ۶۷) (تصویر ۲۲)

#### ۸- تلفیق شیر با اجزای حیوانی دیگر

عیلامی ها ترجیحا، جانوران دورگه تخیلی و هیولاهای غریبی را ترسیم می کردند. یکی از این جانوران دو رگه گریفین، یک شیر بالدار با سر و پاهای جلویی به شکل چنگال مرغان شکاری است. با در نظر گرفتن این نقش در شوش می توان گفت که پیدایش گریفین در هنر مصر به احتمال زیاد تحت تاثیر هنر ایلام بوده است. (مچیزاده، ۶۴، ۱۳۷۰) عیلامی ها گریفین را به عنوان محافظ معابد ابداع کردند. (همان، ۶۱) (تصویر ۲۳) برخی صورت نمادین شیر بال دار، در ستون های سنگی بابل و تخت جمشید که گاهی سری از عقاب دارد را تجسمی از هیولا های توفان یا هرج و مرج می دانند. (دادور، ۷۴، ۱۳۸۵) در زمان هخامنشی تصاویری به شکل اساطیر تلفیقی چون صورت انسان و بدن شیر در نقوش برجسته سنگی پلکان جنوبی کاخ داریوش در تخت جمشید، بسیار دیده شده که به نام ابولهول بال دار شهرت پیدا کرده است. ابولهول های بالدار «سفنکس» را به صورت سرزن بادن شیر، می توان در مجسمه های نساء قدیم مربوط به دوره اشکانیان مشاهده کرد. (همان، ۱۶۲)

ایم دوگودا جانور دورگه، عقابی با سر شیر، برای نخستین بار بر روی مهرهای استوانه ای هزاره چهارم

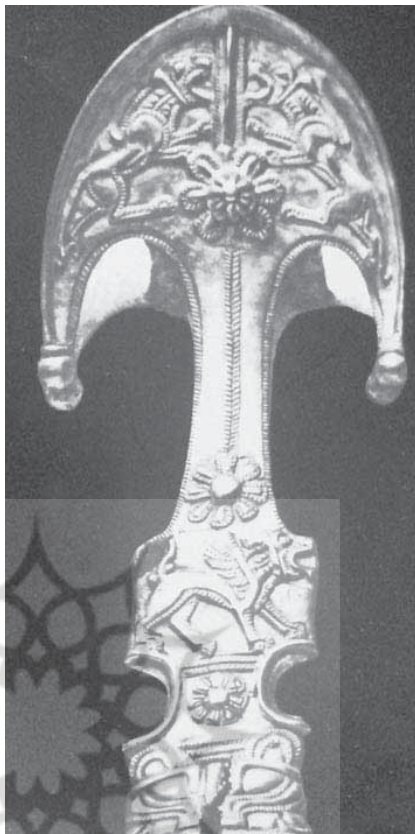
مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه ای تطبیقی با هنر بین النهرین



تصوی ۲۱- تبر و قفی متعلق به انتاش گال از چغازنبیل قرن ۱۳ ق.م

رحمت و برکت در حدو حدود تفکرات آیینی و اساطیری آن دوران به حساب آورد. (فرنو، ۱۳۸۴، ۲۷۷) درمیان آثار یافته شده نمونه های بسیاری، تصویر شیرانی را نشان می دهد که روی ران شیر یا در اطراف شیر علامت ستاره یا چلیپا قرار گرفته است. گریشمن عقیده دارد، این نشان ویژه ای بود که بر حیواناتی که در باغ وحش شاه بزرگ نگهداری می شدند، داغ می کردند. (گریشمن، ۱۳۷۰، ۳۰۷)

در مواردی این نشان را الهام گیری هنرمندان از نقشی که به طور طبیعی هنگام حرکت بر گرده جانوران شکل می گیرد، دانسته اند. (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۱۴۹) و نظریه دیگر حضور نشان ستاره ای را تاکید بر صورت فلکی شیر و خصوصیات ویژه منطبق با نشانه های ستاره ای آن می داند. (بیکرمن، ۱۳۸۴، ۵۴) اما آنچه مسلم است ترکیب تصویر شیر با نشانه ستاره ای یا چلیپا، سابقه دیرینه ای



تصویر ۲۰- قرن ۱۰-۷ ق.م



تصویر ۲۲- ۳۰۰۰ ق.م

ق.م دیده می شود. (هال، ۱۳۸۰، ۶۲ (تصویر ۲۴) درگلدان فلزی سومری در نوار پایینی، چهار عقاب شیر سر یا ایم دوگود در چهار طرف، هریک کفل های دو شیر پشت به پشت هم را به چنگال دارند. این ظرف به خدای حامی شهر لاگاش، یعنی نین گرسو تقدیم شده است. وایم دوگود نماد قدرت آن خداست. (فرنو، ۱۳۸۴، ۴۸۰) برخی این حلقه شیران را نمادی از مرگ و زندگی و تلقی ادواری سومری نسبت به حیات دانسته اند. (همان، ۷۲) پیکر پیوندی انسان، سر شیر، گوش های دراز و پنجه های پرند از دوره بابلی کهن (۱۶۵۱-۱۹۵۰ ق.م) تا زمان استیلای ایران بر منطقه بین النهرین وجود داشته است. این نوع پیکره حداقل در دوره نوآشوری و نوبابلی (۵۳۹-۶۲۵ ق.م) به طور حتم می تواند، مخلوق بزرگ آب و هوا که دیوی نیکوکار و محافظ در مقابل دیوهای شیطانی و امراض بوده شناخته شود. او در نقوش برجسته کاخ آشوری ترسیم و پیکره سفالینش مابین اموال خانه ها و در پی ساختمان ها قرار می گرفت. (بلک، ۱۳۸۵، ۱۹۸) (تصویر ۲۵) از آن جا که نقوش درندگان یا موجودات ترکیبی مظهر قدرت و نیز نوعی قداست هستند و از نوعی اقتدار برخوردارند، می باید آن ها را مظاهری از اسماء جلالی یا قهر الهی در مقابل اسماء

۱- نین گرسو را آورنده طوفان، باران و سیل می دانستند و از آن جا که رگبار و طغیان آب دجله و فرات ناگهانی و خشونت بار است، نین گرسو نیز شخصیتی خشن و جنگاور و در عین حال مظهر برکت و حیات داشت. ایم دوگود عقاب شیر سر، نماد ابرگرنده نیز جلوه ای از قهر و قدرت ایوبود (فرنو، ۸۲، ۱۳۸۴)



تصویر ۲۳-متعلق به ۳۰۰۰ ق.م



تصویر ۲۴-ایم دوگو، متعلق به ۳۰۰۰ ق.م

در ایران دارد. برای نمونه شیری که بر روی جام حسنلو تصویر شده و متعلق به سده ۵-۱۲ ق.م است، به خوبی این تلفیق و همراهی را نشان می دهد. (بختورتاش، ۱۳۸۰، ۱۵۸) چلیپا از دیدگاه نیروهای آسمانی و مینوی روشنگر خوشبختی، آشتی، نیروی زندگی و عنصری بوده که مردم را از پلیدی ها، بدبختی ها و اهریمنان، نگهبانی می کرده و ارواح شیطانی را دور می رانده است. (همان، ۲۵) این ویژگی های نمادین تشابهات بسیاری با مفاهیم نشانه و نماد شیر در دوران باستان دارد.



تصویر ۲۵-سنگ بنای حجاری شده از کاخ سلطنتی آشور بانی پال قرن ۷ ق.م

مفاهیم مرتبط با نماد شیر در هنر ایران باستان تا دوران ساسانی در مقایسه‌ای تطبیقی با هنر بین النهرین

جدول بررسی تطبیقی مفاهیم کهن الگوهای مرتبط با سمبل شیر در هنر ایران و بین النهرین باستان

ردیف	الگوها	ایران	بین النهرین	مفاهیم
۱	همراهی شیر و الهگان و خدایان	عیلام (اله نروندی)	آشور (ایشار)	نماد مرگ و زندگی
		لرستان (اشی)	بابلی کهن (لیلیت)	
		لرستان (زروان)		
۲	شیر سمبل صورت فلکی	عیلام (نبرد شیر و گاو)	سومر و بابل نوین (نبرد شیر و گاو)	اعتدال بهاری و غلبه تابستان بر زمستان
		هخامنشی (نبرد شیر و گاو)		
		تاوورکتونی (نبرد مهر با گاو)		
۳	شیر در صحنه شکار خورشید	عیلام (خدای خورشید - شکارچی شیر)	کشتن شیر	سومر (کیل گمش درحال پیروزی بر زمستان) مخرب و به نظم آوردن امور
		لرستان (نبرد نیم انسان - نیم حیوان با شیر)	آشور (شاه ایستاده بر لاشه شیر)	
		هخامنشی (نبرد شاه با شیر)		
۴	شیر محافظ معبد	عیلام (معبد این شوشیناک) پرستگاههای میتراپی	بابل دروازه ایشار	حفاظت
۵	شیر محافظ درخت زندگی	عیلام ساسانی	آشور	حفاظت از بیماری و نامیرایی
۶	لیاس یا ماسک یا خدایان به شکل شیر مراسم آیینی ستایش مهر	ساکنان اولیه ایران (مراسم آیینی ستایش خورشید)	سومر و اکد (خدایان) در لباس شیر	عجین شدن * دفع ارواح خبیثه
		* بابل (بز شک در لباس شیر)		
		عیلام (شکارچی در پوست شیر)		
۷	اشیاء و نذورات محتوی ظروف	لرستان (ظروف و سلاح ها) و سلاح ها همراه	عبید (ظروف)	حفاظت از آشور (جامه شاهان و دفع شر و منشاء خیر)
		هخامنشی (قبای داریوش)	هخامنشی و ساسانی (ظروف)	
		آشور (سلاح خدایان)		
۸	شیر به شکل تلفیقی	عیلام (گریفین)	* سومر (ایم دو گود)	محافظة و دافع شر
		هخامنشی (شیر بالدار با سر عقاب)	بابلی کهن (تلفیق با بدن انسان)	
		اشکانی (اسفنگس)		

\* ستاره نشانه ارتباط صورت و مفهوم خاص آن است.

## نتیجه

نماد شیر از جمله نشانه های کهن سرزمین ایران است و از رایج ترین نقوش به کار رفته بر روی مهر ها، ظروف، سلاح ها، نقش برجسته و حجاری ها و احجام سه بعدی است. از معانی نمادین این حیوان می توان، تابستان، سلطنت، قدرت و نیروی الهی، محافظ و دور کننده ارواح و شیاطین، صورت فلکی و باروری را نام برد. این نشانه در ایران، به شکل الگوهای متفاوتی ظاهر شده و ارتباط پیوسته ای با مفهوم طلسم گونه این حیوان، در حفاظت از عناصر شر دارد. اعتقاد به صور فلکی و تاثیرات آن در زندگی، در گسترش این نماد تاثیر به سزایی داشته است. از طرفی این نشانه، خاص منطقه ایران در دوران باستان نبوده و در تمدن باستانی بین النهرین نیز با مفاهیمی مشابه نود داشته است. آنچه روشن است، نماد شیر همچنان تا دوره های متاخرتر جایگاه خود را حفظ کرده است.



## منابع و ماخذ

- اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یارشاطر، اوج های درخشان هنر ایران، هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۹.
- اولانسی، دیوید، پژوهشی نو در منشا میتراپرستی، مریم امینی، چاپ دوم، نشر چشمه، تهران، ۱۳۸۵.
- بالتر و شایتس، یورگیس و ارتورا پهام پوپ، نقوش پیشینه دار، ژیلبرت صدیق پور، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- بختورتاش، نصرالله، نشان راز آمیز، گردونه خورشیدیا گردونه مهر، چاپ سوم، موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر، تهران، ۱۳۸۰.
- بلک، جرمی و آنتونی گرین، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین النهرین باستان، پیمان متین، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۵.
- بیکرمن، هیننگ ویلی، هانترو... علم در ایران و شرق باستان، همایون صنعتی زاده، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۴.
- بهزادی، رقیه، قوم های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز و هلال حاصلخیز، چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۴.
- جوانی، اصغر، هنر و نماد (درخت)، هنرنامه، شماره ۷، ص ۳۱-۳۹، تابستان ۱۳۷۹.
- خانی، شهین، بانوی حیوانات انگاره ای ما قبل تاریخی، هنرنامه، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۱.
- رضی، هاشم، آیین مهر میتراپرستی، چاپ اول، نشر بهجت، ۱۳۷۱.
- رو، ژرژ، بین النهرین باستان، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر آبی، تهران، ۱۳۶۹.
- طاوسی، محمود و علی شیخ مهدی، نشانه ای از نمایش نزد ساکنان اولیه ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۸۹-۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۴.
- فرون، بهروز، تمدن و هنر منشاء فرهنگ در بین النهرین، جلد اول، نشر سوره مهر (حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی) تهران، ۱۳۸۴.
- فریه ر. دلیو، هنرهای ایران، پرویز مرزبان، چاپ اول، نشر فرزاد، تهران، ۱۳۷۴.
- کورتیس، جان، ایران باستان به روایت موزه بریتانیا، آذر بصیر، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۵.
- گریشمن، رمان، هنر ایران (در دوران ماد و هخامنشی) عیسی بهنام، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- گریشمن، رمان، هنر ایران (دردوره پارتی و ساسانی) بهرام فره وشی، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰.
- مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.
- هال، جیمز، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- هاوزر، آرنولد، تاریخ اجتماعی هنر، ابراهیم یونسی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۰.
- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ژاله آموزگار و احمد تفضیلی، چاپ دهم، نشر بهار، تهران، ۱۳۸۵.
- هینتس، والتر، دنیای گمشده عیلام، فیروز فیروزنیا، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول هایش، محمود سلطانی، چاپ ششم، نشر جامی، تهران، ۱۳۸۶.